

بیانیه سیاسی پلنوم کمیته مرکزی سازمان اتحاد فداییان خلق ایران



در حالی که بحران‌های حاد جامعه ما در عرصه های اقتصادی و سیاسی، اجتماعی، زیست محیطی و بهداشتی و درمان، روز به روز گسترده تر و عمیق تر می شود، درماندگی ها و سردرگمی های حاکمان و، بطور کلی، بن بست حکومت نیز بیش از هر زمان دیگری نمایان می شود. پس از نیروهای اپوزیسیون آزادیخواه و عدالت طلب، و اکثریت توده های مردم که از سالها پیش به این نتیجه گیری رسیده اند، حالا دیگر گروهی از حکومتگران و شرکایشان که کشتی نظام جور و غارتگری شان را در لبه غرقاب و نابودی می بینند، ندا می دهند که «این وضعیت قابل دوام نیست»!

خیزش گسترده مردم در آبان ماه گذشته، برای نان و کار و آزادی، و علیه استبداد و فساد و ستمگری، هرچند در آن مقطع در مقابل کشتار و سرکوب وحشیانه ارگانهای حکومتی، متوقف گردید ولی این، به هیچ وجه، به معنای توقف مقاومتها و مبارزات کارگران، زحمتکشان و دیگر قشرهای مردم نبوده است. چنان که طی ماه های گذشته نیز، به رغم گسترش بیماری همه گیر کووید-۱۹ که به بحران مضاعف دیگری تبدیل شده، حرکتهای اعتراضی و حق طلبانه، به اشکال گوناگون، ادامه یافته است.

رژیم اسلامی حاکم بر سرزمین ما که برای تداوم سلطه شوم خود عملأً سلاحی جز توسل بیش از پیش به سرنیزه و سرکوب ندارد، از جوانب مختلف با تنگناها و فشارهای فزاینده ای مواجه است.

ادامه و تشدید تحریمهای یکجانبه دولت آمریکا، رژیم را از عمدۀ درآمدهای نفتی محروم و مبادلات پولی و بانکی با خارج را به شدت محدود کرده است گرچه بر کسی پوشیده نیست که تبعات فاجعه بار آنها موجب فشار اقتصادی بر توده های مردم ایران می باشد. «برجام» در عمل به بن بست رسیده، و در صورت ارجاع پرونده اتمی حکومت اسلامی از سوی شورای حکام «آزانس بین المللی انرژی اتمی» به «شورای امنیت»، احتمال بازگشت دوباره تحریمهای سازمان ملل علیه ایران وجود دارد، ضمن آنکه مسئله تمدید تحریم تسليحاتی ایران (بعد از اکتبر آینده) نیز از طریق «شورای امنیت»، از سوی دولتهای آمریکا و اروپائی دنبال می شود. قمار بزرگ سیاسی و نظامی رژیم در منطقه، همان طور که پیش بینی می شد، به باخت انجامیده و

موقعیت منطقه ای آن را تضعیف نموده است. لکن پیداست که حکومت اسلامی، بیش از همه، از فشار از «پایین» و شورش‌های مردمی، نگران و هراسان است و بررسی اوضاع داخلی نیز موقعیت متزلزل آن را بروشند نشان می‌دهد.

شیوع و گسترش بیماری کرونا طی ماه‌های گذشته در غالب کشورهای جهان، که همراه با خدمات سنتی انسانی، اجتماعی و اقتصادی بوده و هست، در جامعه ما نیز خسارات فراوانی به بار آورده که هنوز ابعاد و عواقب آن روشن نیست. اما چگونگی برخورد حکومت اسلامی به این بیماری و «مدیریت» این بحران، یکبار دیگر و بروشند نشان می‌دهد که گردانندگان حکومتی هیچ ارزشی برای جان انسانها قائل نیستند. انکار و پنهانکاری در آغاز، دروغپردازی و تناقض گوئی‌های مکرر، اتخاذ تصمیمات متناقض و ناپیگیر، تعارضات مراجع مختلف حکومتی، بی‌توجهی به هشدارهای متخصصان پزشکی و درمانی، و اقدامات نسنجدید و آشفتها به دنبال داشته است. مسئولان رژیم تا کنون تلاش کرده اند که با اندختن «قصیر» شیوع بیماری به گردن مردم، از زیر بار مسئولیت قانونی و عرفی خود برای مقابله با این بحران، طفره بروند. در این میان، تنها کوششهای فدایکارانه کادرهای درمانی و بهداشتی بوده که توانسته است، تا اندازه‌ای، ابعاد خسارات انسانی را مهار بکند.

رژیم حاکم زیر عنوان راه اندازی اقتصاد در حال احتضار و با شعارهای مضحكی چون «جهش تولید»، عملأ بیماری کرونا را رها کرد تا شاید اقتصاد را «نجات» دهد. اما اقتصاد نجات نیافت (که نمی‌توانست و نمی‌تواند بیابد) و گسترش بیماری دو چندان شد، بطوری که طبق آمار رسمی، میزان متوسط مرگ و میر روزانه ناشی از کرونا، در ماه گذشته نسبت به ماه‌های پیشین، دو برابر شده است. با تداوم و تشدید رکود، چند میلیون نفر دیگر بر اثر این بحران کارشان را از دست داده و به انبوه لشکر بیکاران افزوده شده اند. اما کسانی که برای تأمین نان شب شان ناگزیر به کارند و یا بنگاه‌هایی که، به هر ترتیب، به فعالیت شان ادامه می‌دهند، با کمبود شدید تجهیزات و وسائل ایمنی در محل کار روبرو هستند، چنانکه این قبیل واحدها نیز نهایتاً ناچار به تعطیلی می‌شوند و یا اینکه کارگران و کارمندان شان را در خطر شدید ابتلا به بیماری کرونا قرار می‌دهند. برخلاف تبلیغات بلندگوهای رژیم، تدبیر حمایتی درمورد بیمه بیکاری شاغلان بیکار شده و یا کمک به تولیدکنندگان و اصناف خرد پا که از بحران کرونا آسیب دیده اند، اگر نه هیچ، بسیار ناچیز بوده است.

اقتصاد بحران زده ایران که رکود تورمی از ویژگی‌های مستمر آن و، بیش از بروز کرونا هم، زمینگیر بوده است، اکنون با خامت وضعیت بیسابقه ای دست به گریبان است. نرخ رشد اقتصادی که، برمنای ارقام رسمی، در سال 1397 منفی 4/5 درصد، و در سال 1398 منفی 6/7 درصد (و طبق تخمین بانک جهانی، در سال 2019 منفی 8/2 درصد) بوده است، در سال جاری مسلماً با سقوط شدیدتری همراه خواهد بود. به عنوان یک شاخص دیگر، بهای دلار در بازار آزاد که در ابتدای امسال حدود 16 هزار تومان بوده، تا 26 هزار تومان نیز صعود کرد. نرخ تورم رسمی 30 درصد اعلام می‌شود، در صورتی که عملأ بالای 50 درصد است و گرانی اقلام ضروری مایحتاج عمومی شتابی روزانه یا هفتگی یافته است. پارسال، واردات 25 ردیف کالایی مشمول دریافت ارز دولتی (4200 تومانی) بودند که حالا به 5 ردیف کالائی کاهش پیدا کرده است، یعنی که امواج دیگری از گرانی در راه است. دور از انتظار نیست که حکومت اسلامی که در این دوره، از جیره بندی کالاهای اساسی خودداری کرده، نهایتاً ناگزیر به انجام این کار شود.

دولت به منظور تأمین کسری عظیم بودجه خود، طبق معمول، به بالا بردن بیشتر بهای کالاهای خدمات عمومی (آب، برق، گاز، بهداشت و درمان، ایاب و ذهاب و ...) و افزایش مالیاتها روی آورده، ولی آشکارست که اینها هم کفاف هزینه‌های هنگفت نظامی، امنیتی و اداری را نداده و فساد فرآگیر حاکم و رقابت باندهای حکومتی برای چنگ اندازی بر منابع عمومی، بخش بزرگی از آنها را هم به کام خود فرو می‌برد. چاپ اسکناس و استقراض از بانک مرکزی (و در نتیجه رشد شدید حجم نقدینگی و شتاب افزونتر تورم قیمتها) و یا انتشار انواع اوراق قرضه اسلامی و غیر اسلامی هم دامنه گسترده تری یافته است. زدن چوب حراج بر باقیمانده دارائی‌ها و اموال عمومی، برای تأمین هزینه‌های جاری رژیم، از واگذاری باقیمانده سهام دولت در شرکتها گرفته تا فروش «املاک مازاد» و «خانه‌های سازمانی» کارکنان، در حال حاضر رواج کامل دارد. در بحبوحه بحران اقتصادی، جا به جائی حجم عظیمی از اموال و ثروتهای عمومی و چپاولگری کم سابقه دیگری در جریان است.

بطور مقابل، انتقال بار سنتی بحران اقتصادی بر دوش کارگران، زحمتکشان و قشرهای کم درآمد و متوسط جامعه نیز همچنان ادامه دارد. حداقل دستمزدی که برای کارگران (مشمول قانون کار)، در اسفند و خرداد ماه گذشته، با بوق و کربای فراوان، برای سال جاری تعیین و اعلام کردند، حتی یک سوم حداقل سبد معیشت خانوارهای کارگری را تأمین نمی‌کند.

افزایش بهای کالاها و خدمات دولتی، عوارض و مالیاتها و گرانی سرسام آور ارزاق عمومی، به سرعت افزایش ناچیز در حقوق و دستمزدها را هم می بلعد و مزد و حقوق بگیران را فقیرتر می سازد، علاوه بر اینکه، میلیونها نفر، به واسطه نبود امکانات اشتغال، از حداقل درآمد نیز محرومند. تشدید فقر و مسکن و نابرابری، و محکوم کردن توده های مردم به محرومیت و سیه روزی و بی چشم اندازی، ترجمان آشکار سیاستهای رژیمی است که هیچ پروائی جز حفظ بساط ننگین خود ندارد.

حرکت اعتراضی توده ها در آبان ۹۸، کمتر از دو سال بعد از خیزش بزرگ دی ماه ۹۶، و استمرار اعتراضات، هر چند پراکنده، در مناطق مختلف و تداوم جنبشهای اجتماعی گوناگون، نشان می دهد که اراده اکثریت مردم برای رهایی از بختک حکومت اسلامی قاطع تر و نمایان تر شده است. مقاومتها و مبارزات مردم علیه شرایط طاقت فرسای حاکم، از کمبود آب آشامیدنی و قطع برق گرفته تا گرانی سرسام آور و بیکاری فزاینده، و از تشدید معضل مسکن و بیخانمانی تا تخریب محیط زیست، از شدت گرفتن تعیض و ستم علیه ملیت های ساکن ایران تا کمبود امکانات و تجهیزات برای مقابله با کرونا، و از مسئله «حجاب» تا سانسور و ...، در اشکال مختلف در اقصا نقاط کشور جریان دارد. خشم است که در دیگهای خالی می جوشد و نفرت از حاکمیت فساد و استبداد و غارتگری است که در میادین و خیابانها جاری می شود از جمله نمونه های اخیر اینها، اعتراضات مردم در اهواز، بهبهان و برخی شهرهای دیگر بوده است.

جنبیش کارگری ایران در برابر تهاجمات رژیم و سرمایه داران شریک آن، و به رغم حاکمیت سرکوب و اختناق، مبارزات سخت و پیگیری را پیش می برد که نمود برجسته آن را می توان در اعتصابات و تجمعات کارگران نیشکر هفت تپه ملاحظه نمود. اعتراضات و اعتصابات کارگری در بسیاری از واحدهای بزرگ صنعتی و خدماتی نظیر برخی کارخانه های پتروشیمی و بعضی از واحدهای راه آهن، مخابرات، حمل و نقل و شهرداری ها به وقوع پیوسته است. پرستاران، معلمان، بازنشستگان، کشاورزان و کسبه خرده پا، فعالان جنبشهای ملیتهای گوناگون، زنان، دانشجویان و جوانان، و نویسندها و روشنفکران، حرکتهای اعتراضی و حق طلبانه شان را به شیوه های گوناگون پیش می بند.

اعتراضات وسیع علیه حکم اعدام سه تن از جوانان معتبر تظاهرات سراسری آبان ۹۸، خصوصاً در شبکه های اجتماعی، رژیم را ناگزیر به عقب نشینی مقطعی در این مورد کرد. این شکل جدید از اعتراضات که طبعاً جایگزین حرکت و مبارزه در محل کار، محلات، دانشگاه ها و خیابانها نمی شود، به نوبه خود، کارآئی و تأثیرگذاری در خور توجه بهره گیری از امکانات فضای مجازی در مبارزه علیه رژیم آبرو باخته را، بروشنا آشکار کرد. دریغ و تاسف که این شیوه اعتراضی پس از اعلام حکم اعدام دو زندانی سیاسی کرد ، صابر شیخ عبدالله و دیاکو رسول زاده مورد استفاده قرار نگرفت. چه بسا اعتراضات وسیع می توانست، رژیم جنایتکار اسلامی را وادارسازد که احکام اعدام این مبارزین کرد را نیز تعلیق کند.

حکومت اسلامی، پس از ارتکاب جنایت و کشتار علنی معتبرسان در کوچه و خیابان، به دنبال آنست که با صدور حکم اعدام و احکام سنگین حبس، جو وحشت و ارعاب را بر جامعه مستولی گرداند، تا شاید از بروز دوباره اعتراضات جلوگیری کند. لکن واقعیت حرکتها و پیکارهای جاری نشان دهنده آنست که این ترفند رژیم نیز مبارزات آزادیخواهانه و عدالت طلبانه توده ها را متوقف نخواهد کرد. هیچ رژیمی، حتی رژیم اسلامی جنایتکار حاکم، اساساً نمی تواند صرفاً با توصل به سرنیزه و سرکوب به حیات خود ادامه دهد.

جمهوری اسلامی، در کلیت آن، مانع اصلی تکامل جامعه ما و اصلی ترین دشمن مردم ایران است. هر قدر این رژیم بتواند به حیات ننگین و مرگبار خود ادامه بدهد، به همان اندازه بر شدت و دامنه بحرانهای جاری اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و بر مشکلات و مصائب گربیانگیر اکثریت مردم، افزوده خواهد شد. تنها با سرنگونی این رژیم است که می توان در راه برقراری یک جمهوری دمکراتیک و سکولار و مبتنی بر اراده مردم گام نهاد.

از میان برداشتن این رژیم جنایتکار بر بستر بالندگی جنبش های اجتماعی و ایجاد پیوندهای نزدیک و همبستگی بین آنها و خیزش توده های مردم، نیازمند همکاریهای وسیع میان نیروهای اپوزیسیون چپ، دمکرات و آزادیخواه ایران در راستای تشکیل یک ائتلاف گستردگی از تمامی جمهوریخواهان باورمند به جمهوری ، دمکراسی، جدایی دین و دولت و دولتی غیر متمرکز میباشد. این نیاز از آنجا صد چندان می شود که از یک سو خطر «آلترناتیو سازی» و از سوی دیگر جریانات ارتجاعی وغیرdemکراتیک، دگر باره جنبش آزادی خواهی و رهایی بخش در ایران را تهدید می کنند.

ما همواره یکی از کوشندگان پیگیر در این راه بوده و هستیم. "همبستگی برای آزادی و برابری در ایران" که به دنبال انتشار «تفاهم نامه ده سازمان و حزب» تشکیل شد، با وجود مشکلات و برخی موانع، گامی است هر چند کوچک اما مصمم که در این راه دشوار برداشته شده است. راهی که در آغازش قرار داریم و به باور ما پیمودن آن و سرنگونی رژیم جنایتکار اسلامی و حفظ یکپارچگی ایران، در گرو پیوند تنگاتنگ بین تمامی جنبش‌های سراسری و اجتماعی و از جمله جنبش‌های ملیت‌های گوناگون ایران می‌باشد.

کمیته مرکزی سازمان اتحاد فدائیان خلق ایران

دوشنبه 13 مرداد 1399 / 3 اوت 2020